**باسمه تعالی**

[انکار منشأیت اصالة عدم قرینه(آخوند) 1](#_Toc461995239)

[تفصیل بین مقام احتجاج و مقام کشف واقع(نائینی) 1](#_Toc461995240)

[تساوی مقام احتجاج و مقام کشف واقع در حجیت ظهور (نظر تحقیق) 2](#_Toc461995241)

[منشأ ظهور، از اهل لسان بودن متکلم (سید یزدی) 3](#_Toc461995242)

[مناقشه: این همانی نظر سید با ظن نوعی (نظر تحقیق) 3](#_Toc461995243)

[تفصیل شیخ اعظم 3](#_Toc461995244)

[نبود فرق و تفصیل بین دو مبنای مذکور (نائینی) 3](#_Toc461995245)

[مناقشه: نامفهوم بودن میزان (نظر تحقیق) 4](#_Toc461995246)

**موضوع**: تعارض/مقدمات /مقدمه یکم: تعریف تعارض

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث حول تفصیل شیخ انصاری قدس سره بود. ایشان فرمودند: «خاص و مقید بنا بر اصل عدم قرینه در حجیت ظهورات حاکم است بر عام و مطلق و بنا بر ظن نوعی و بی نیازی از اصل عدم قرینه، خاص و اظهر و مقید واردند بر ظن نوعی.»

به همین مناسبت مرحوم نائینی رحمه الله وارد بحث از منشأ تفصیل شده و در صدد تبیین نظریه صواب می­باشند، آیا صحیح اصل عدم قرینه است یا ظن نوعی؟

اصولیون این بحث را بخش ظواهر مطرح کرده­اند و اینجا به مناسبت از آن بحث می­شود.

##### انکار منشأیت اصالة عدم قرینه(آخوند)

ظاهر عبارت مرحوم آخوند قدس سره انکار منشأیت اصل عدم قرینه برای ارتکاز عقلا است. در نظر شریف ایشان عقلا به ظهور عام عمل می­کنند بدون اینکه هنگام شک در قرینه بنا را بگذارند بر عدم قرینه سپس به عام عمل کنند.

##### تفصیل بین مقام احتجاج و مقام کشف واقع(نائینی)

اگر مراد عقلا از ظاهر کشف واقع باشد، به ظن نوعی اکتفا نمی­کنند، کار را محکم کرده و احتمال قرینه را با اصل عدم قرینه نفی می­کنند، مثلاً برای اینکه بدانند پولی که دستشان 100 هزار است آن را می­شمارند.

و اگر مراد ایشان از ظاهر احتجاج باشد، بدون محکم کاری و بدون اجرای اصل عدم قرینه به ظن نوعی اکتفا می­کنند. مثلاً برای ادای تصدق به 100 هزار گفتار کسی را که خبر می­دهد این پول 100 هزار است را می­پذیرند.

##### تساوی مقام احتجاج و مقام کشف واقع در حجیت ظهور (نظر تحقیق)

در حجیت ظهور بین مقام احتجاج و مقام کشف واقع فرقی نیست. اگر بگوییم نیازمند اصل عدم قرینه هستیم، در همه جا نیازمند این اصل هستیم و اگر بگوییم ظن نوعی کفایت می­کند در همه جا کافی است و تفصیل محقق نائینی خلاف ارتکاز است و برای آن برهانی نداریم.

بله؛ در مواردی که غرض عقلا وصول به واقع است به صرف ظاهر کلام عمل نمی­کنند، لکن به اصل عدم قرینه هم عمل نمی­کنند بلکه دنبال یقین به عدم قرینه هستند حتی به یقین به عدم قرینه نیز اکتفا نمی­کنند و دنبال یقین به واقع هستند. و این موردی است. در شریعات نیز ممکن است به صورت موردی، به خاطر اهمیت مورد به ظهورات عمل نشود و عقلا به دنبال نص باشند.

کار و شأن مجتهد تحصیل حجت بر اعمال خود و مکلفین است و شأن او تحصیل رضای خدا و تحصیل واقع نیست، بلی تحصیل رضا و واقع بهتر است کمال است اما آن مطلب دیگری است.

منبه: منشأ عمل عقلا به ظاهر کلام مولا آن است که ایشان به ظواهر عمل می­کنند کما اینکه در هر جا به ظواهر عمل می­کنند، منشأ و ریشه عمل عقلا واحد است. شما به همان مناطی که در مقام عمل به امر پدر گرامی­تان به ظاهر عمل می­کنید به همان مناط نیز به ظاهر إخبار فرزندتان عمل می­کنید.

فهم عقلا از «اکرم العلماء» آن است که همه علما را باید اکرام کرد. و اگر کسی بپرسد «چرا همه؟» پاسخ می­دهند «اکرم العلماء» ظاهرش یعنی همه است. و اگر کسی بپرسد «شاید علماء فاسق مرادش نباشد؟» جواب می­دهند اگر مرادش نبود ظاهر کلامش را آنگونه نمی­آورد.

عقلا عمل به ظواهر میکنند چون ظاهر و کاشف از مدلول است، چون مدلول به واسطه این ظاهر کشف می­شود. نه اینکه در ارتکازشان یک بنای پیشین باشد و بنا را بگذارند بر عدم قرینه.

این سیره عقلا در جایی است که مولا مخصص منفصل نمی­آورد، اما در جایی که دئب مولا آن است که بعد از بیان عام مخصص منفصل ذکر می­کند سیره عوض می­شود. سیره عقلا در چنین مواردی عمل به عام است بعد از فحص و یأس از دست یافتن به مخصص.

##### منشأ ظهور، از اهل لسان بودن متکلم (سید یزدی)

نظر شریف سید یزدی در تعلیقه بر رسائل آن است که منشأ عمل عقلا به ظهورات نه اصل عدم قرینه است و نه ظن نوعی بلکه چیز سومی است، ظاهر سخن متکلم که اهل لسان است ـ غالباً ـ آن است که او هم مثل اهل لسان سخن می­گوید و به روش ایشان حرف می­زند عام را می­گوید و مرادش هم عام است.

###### مناقشه: این همانی نظر سید با ظن نوعی (نظر تحقیق)

رای سید یزدی در نظر تحقیق همان رأی آخوند قدس سره می­باشد. و مراد مرحوم شیخ انصاری از «ظن نوعی» نیز همان است. نمی­دانیم چگونه شده است که سید یزدی اصطلاحات را ملاحظه ننموده است.

بحث از منشأ حجیت ظهور همین است که آیا عقلا اصل عقلایی عدم قرینه جاری می­کند سپس عمل می­کنند یا آنکه به خاطر ظاهر و با اعتماد به ظهور کلام به آن عمل می­کنند؟ راز اینکه عقلا به ظور عمل می­کنند آن است که چون «ظهور» است، چون «موجب ظن نوعی» است، چون نوع اهل لسان اینگونه ظاهر را اراده می­کنند. همه تعابیر از یک مطلب حاکی هستند.

به بحث از وجه حجیت ظهور در تعارض به همین مقدار اکتفا می­شود و جای بحث مفصل مباحث الفاظ و ظهورات می­باشد.

#### تفصیل شیخ اعظم

مختار مرحوم شیخ آن شد که اگر ملاک عمل عقلا به ظهور اصل عدم قرینه باشد خاص حاکم است چون خاص علم ادعایی به قرینه است، مولا ما را عالم به قرینه قرار داده است و موضوع اصل عدم قرینه ادعاء منتفی است. و اگر ملاک عمل به ظهور ظن نوعی باشد خاص وارد بر عام است. ظن نوعی به عام با آمدن خاص وجدانا منتفی می­شود.

##### نبود فرق و تفصیل بین دو مبنای مذکور (نائینی)

مرحوم محقق نائئینی در هر دو مبنا قائل به حکومت خاص هستند و ورود را ناتمام می­دانند، ایشان بیانی دارند ـ که محقق خویی هم همان بیان را دارند ـ در فرق بین حکومت و ورود.

فرق حکومت و ورود

حکومت و وورد با آنکه در هر دو موضوع دلیل دیگر منتفی است اما فرقشان در این است که انتفای موضوع دلیل مورود در ورود به نفس تعبد به وارد است. و لو متعبدٌبه ثابت نشود، به خلاف حکومت که موضوع دلیل محکوم با ثبوت متعبدٌبه در حاکم منتفی می­شود.

مثال: ادله امارات واردند بر اصول عقلیه. قبح عقاب بلا بیان یا تخییر عقلی مورود ادله امارات هستند، موضوع قبح عقاب بلابیان با نفس تعبد به امارات و حجت قرار دادن آنها مرتفع است وجدانا؛ از آنجایی که دلیل حجیت اماره قطعی است با آمدن دلیل حجیت و مصحح عقوبت اصل وجدانا منتفی است کار به مفاد اماره نداریم اماره ثابت باشد یا نباشد.

به خلاف «لاربا بین الوالد و الولد» با «حرم الربا» و به خلاف ادله امارات با اصول شرعیه؛ موضوع ادله اصول عملیه شرعیه شک وجدانی است و مفاد ادله حجیت خبر واحد جعل علمیت است و به صرف علم قرار دادن خبر واحد، موضوع «من کان علی یقین فشک» منتفی نیست. شک وقتی منتفی است که متعبدٌبه ثابت شود. باید ابتدا خبر واحد از وجوب نماز جمعه خبر دهد، تا شک در وجوب و موضوع «من کان علی یقین فشک» و «رفع مالایعلمون» منتفی گردد.

تطبیق این میزان در مقام:

موضوع دلیل محکوم (دلیل عام) با نفس تعبد منتفی نیست. اصالة العموم می­گوید: اگر شک داری علما فاسق وجوب اکرام دارند یا نه! بدان علمای فاسق هم وجوب اکرام دارند، عموم «اکرم العلما» حجت است.

و به مجرد جعل حجیت برای سند «لاتکرم فساق العلماء» موضوع عام منتفی نیست. کما اینکه به مجرد جعل حجیت برای ظهورش هم موضوع عام منتفی نیست. باید مولا مرا عالم به مؤدای خاص قرار دهد تا موضوع عام منتفی شود. کما اینکه در جایی که سند خاص قطعی است اما ظهورش ظنی، به مجرد حجیت ظواهر موضوع عام منتفی نیست، موضوع عام زمانی منتفی است که مرا عالم به مؤدای «عدم وجوب اکرام علمای فاسق» قرار دهد.

اگر سند خاص ناتمام بود اما دلالت نص بود حکومت درست نیست همچنین در صورتی که سند قطعی بود اما دلالت خاص اجمال داشت.

حاصل: موضوع عام به مجرد تعبد به خاص منتفی نیست، باید متعبدٌبه ثابت شود همچنین تعبد به سند و تعبد به دلالت هم تمام باشد.

###### مناقشه: نامفهوم بودن میزان (نظر تحقیق)

میز حکومت و ورود با این بیان که در در حکومت موضوع محکوم با متعبدٌبه منتفی می­شود و در ورود موضوع مورود با تعبد منتفی می­شود دو معنا دارد. معنای صحیح و معنای نامفهوم.

معنای یکم: معنای صحیح

منشأ ورود تعبد است و منشأ حکومت متعبدٌبه. اینکه می­گوییم موضوع مورود به نفس تعبد منتفی است مراد آن نیست که متعبدٌبه لازم نیست، متعبدٌبه باید ثابت باشد اما منشأ ورود تعبد است نه متعبدٌبه. در حکومت نیز باید هم تعبد و هم متعبدٌبه ثابت باشد اما منشأ حکومت متعبدٌبه است.

سیاقت و مضمون «لاربا بین الوالد و الولد» منشأ شده است که متعبدٌبه به گونه تصرف باشد، اگر سیاقت اینگونه بود «حرم الربا الا بین الوالد و الولد» تخصیص می­شد اما به لسان و سیاقت «لاربا بین الوالد و الولد» گفت و شد حکومت. به خلاف ورود که متعبدٌبه به هر کیفیتی باشد منشأ ورود نیست، منشأ در ورود اصل تعبد است، اینکه ما را تعبد کرد به حجیت همین مصحح عقوبت است، حال حجیت هر چه می­خواهد باشد و به هر مضمون و معنایی می­خواهد باشد.

اگر مراد از میزان فرق بین حکومت و ورود این بیان باشد بیان خوبی است و صحیح است.

معنای دوم: معنای نامفهوم

میزان بین حکومت و ورود به این بیان که میزان ورود تعبد است و نیاز به صدور متعبدٌبه نداریم. این معنا نادرست است. بلکه در ورود نیز به متعبدٌبه نیاز داریم.

حال آیا بامعنای صحیح تفصیل شیخ درست است یا نادرست؟ کلام تتمه دارد إن شاء الله فردا.